



براي انقلاب كردن بحزبي انقلابي احتياج است.
بدون يك حزب انقلابي ، بدون حزب انقلابي
ايكه براساس تنوري انقلابي ماركسيزم-
لنينيزم(مائوييزم)وبه سبك انقلابي ماركسيستي
لنينيستي(- مائونيستي) پايه گذاري شده
باشد، نمي توان طبقه كارگر و توده هاي وسيع
مردم را براي غلبه بر امپرياليزم و سگهاي
زنجيري اش رهبري كرد .
(مائوتسه دون)

شماره اول دوره دوم ماه میزان (اکتبر) سال 1370 (1991)

آغاز سخن

بيست و سه سال قبل از امروز جريده " شعله جاوید " در عرصه ادبيات انقلابي افغانستان ظاهر شد . اين جريده صرفاً توانست تا شماره يازدهم توفيق انتشار يابد. اما انتشار همين تعداد شماره هاي آن نيز توانست نقش بسيار جدي و عمده اي در شكل دهی و گسترش جنبش انقلابي کشور بازي نمايد . بي جهت نبود که نام " شعله جاوید " معرف جنبش ما شد و همچون سرلوحه جريان دموکراتيک نوين تثبيت گرديد .

به يقين ، در شرايط سال 1347 که از يك جانب جنبش ما تازه در حال شکل گيري بود و از جانب ديگر جوش خروشان انقلاب فرهنگي کبير پرولتاريابي در چين ومبارزات آزاديبخش ملي در سه قاره ، تاثيرات پر قدرتي در جنبش انقلابي افغانستان اعمال مي نمود ، آنچه براي ادبيات انقلابي کشور در قدم اول نياز مندي و ضرورت قرار داشت ، انتشار جريده اي بود که " زبان بي قيد و بند انقلاب " باشد . * اما متأسفانه اين سازمان جوانان مترقي نتوانست براي انتشار چنين جريده اي - که فقط مي توانست يك جريده کمونيستي مخفي باشد - اقدام عملي موفقانه اي به عمل آورد . اين کمبود تاثيرات منفي عميقي بر جنبش کمونيستي افغانستان بر جا نهاد .

جريده " شعله جاوید " يك هفته نامه علني و ناشرانديشه هاي دموکراتيک نوين بود و نمي توانست در اساس وظايف يك نشریه کمونيستي را بر عهده بگيرد . تا جائيکه مربوط به نقش " شعله جاوید " در سطح فعاليت هاي علني و دموکراتيک " جريان " بود ، اين نشریه نه تنها موفقيت هاي بزرگ داشت بلکه تاثيرات عميق و دير پاي نيز برجا گذاشت . اما " شعله جاوید " تا آنجائيکه در ظرفيت زبان مي گنجيد ، از به عهده گرفتن نشر مباحث کمونيستي ، بويژه در مبارزه عليه طرح هاي رويزبونيستي باندهاي خلق و پرچم و سوسيال امپرياليزم شوروي ، نيز ابا نورزيد . البته روشن است که " شعله جاوید " بعنوان نشریه متعلق به يك سازمان و جريان تازه و جديدالولاده ، نمي توانست داراي نواقص و کمبودات وحتي انحرافات جدي تئوريک نباشد .

پس از توفيق " شعله جاوید " نه سازمان جوانان مترقي و نه ساير بخش هاي جريان قادر گرديدند انتشار جريده ديگري را روي دست بگيرند . در واقع بايد گفت که عدم موجوديت چند ساله هيچ نشریه و جريده اي ، در پهلوي ساير علل و عوامل ، نقش معيني در فروپاشي " س . ج . م " و پراکندگي " جريان دموکراتيک نوين " بازي نمود . تسلط بلامنازع انحرافات اپورتونيستي و رويزبونيستي در طول سالهاي دهه پنجاه و نيمه اول دهه شصت ، بر تمامی دسته ها و گروه هاي برآمده از درون " س . ج . م " و " ج . د . ن " تاثيرات منفي عميقي بر فعاليت هاي نشراتي - همانند ساير عرصه هاي فعاليت مبارزاتي - اعمال نمود . بصورت کلي نشریه هاي اين دوره نه تنها مبلغ و مروج مواضع انحرافي دسته ها و گروه هاي مذکور بودند ، بلکه همگي فاقد سويه جنبش بوده و عملاً تشنت و پراکندگي را دامن مي زدند . علاوه بر اين ، علوناً هيچ يك از چند نشریه کمونيستي که انتشار آنها در اين دوره روي دست گرفته شد نتوانست ادامه کاري را تاسيس نمايد . اما وضعيت در سطح نشریه هاي ملي - دموکراتيک از اين هم بد تر بود .

* - انتشار چنين جريده اي در نشست عمومي دوم سازمان جوانان مترقي در سال 1346 مورد تصويب قرار گرفته بود .

انتشار جراید بسم الله دار و مزین و منقش بآیات و احادیث ، آنهم توسط کسانیکه مدعی حقانیت انحصاری کمونیستی و انقلابی بوده و هستند ، عمق فوق العاده ای خطرناک این وضعیت منفی را نشان می داد ، بویژه که یکی از این جراید، برای مدتی بعنوان ارگان مرکزی یکی از این دسته ها ی پرمدها منتشر می گردید .

پیدایش جراید " جرقه " ، " شعله " و " ندای انقلابی " در اواسط دهه شصت ، شکوفایی نسبی فعالیت در سطح نشریه ها را به نمایش گذاشت . اما مبتنی بر مواضع ایدئولوژیک - سیاسی اتخاذ شده توسط گروپ های منتشر کننده این جراید نقش معینی بر عهده هر یک از آنها قرار گرفت . " جرقه " ارگان تئوریک - سیاسی اتحاد مارکسیستی - لنینیست ها ی افغانستان با وجودیکه برای مدت چند سال بصورت مداوم انتشار یافت و به هر حال مسایل مختلف و متنوع را به بحث گرفت ، در اساس بخاطر سانترالیزم مسلط بر " املا " - که این جریده مروج و مبلغ آن بود - نتوانست در نهایت نقش مثبت و سازنده ای بازی نماید . ولی " ندای انقلاب " و " شعله " که به مثابه دو جریده مائوئیستی به تبلیغ و ترویج مواضع حرکت نوین مائوئیستی پرداختند - نتوانستند نقش پیشرونده و مثبتی ایفا نمایند . " جرقه " مربوط به " املا " - بخش مائوتسه دون اندیشه ، با وجودیکه فقط چهار شماره انتشار یافت توانست سهم مهمی از مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی مائوئیستی را بر عهده بگیرد ، که مهمترین آن خاتمه دادن به فعالیت نشراتی املائی سنتریست و کلا موجودیت سیاسی - تشکیلاتی آن بود .

کنگره موسسه حزب کمونیست افغانستان که کمونیست های کشور را قادر ساخت به اساسی ترین سلاح مبارزاتی دست یابند ، اسم آشنای " شعله جاوید " را برای ارگان مرکزی حزب برگزید و فیصله اش را در این مورد در اساس نامه حزب کمونیست افغانستان درج نمود . دلیل انتخاب این اسم کاملاً روشن است . " شعله جاوید " اسم آشنا و معرف هویت ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی مائوئیستی ما است . جنبش مائوئیستی افغانستان با نام " شعله جاوید " پیوند محکمی دارد و سالهای سال همچنان سرلوحه موجودیت و فعالیت آن خواهد بود . هیئت جریده " شعله جاوید " امید وار است که ارگان مرکزی حزب ، متناسب با اسمی که بر آن گذاشته شده است ، بتواند اساسات و پایه های مبارزه برای رفع تشنگی و پراکندگی جنبش کمونیستی کشور و تامین وحدت آنرا که فقط و فقط با گردآمدن به دور مرانامه و اساسنامه حزب ، بصورت اصولی میسر می گردد ، برای خوانندگانش به روشنی توضیح نماید .

جریده " شعله جاوید " دوره دوم نشراتی اش را به مثابه یک نشریه کمونیستی و مخفی آغاز می نماید و " زبان بی قید و بند انقلاب " خواهد بود . این جریده با وجود سلطه ماوراء ارتجاعی نیمه فیودالیزم و بورژوازی کمپرادور و احزاب و بادر های آنها و موجودیت مشکلات عدیده در مسیر پر پیچ و خم مبارزه انقلابی ، مروج و مبلغ نترس مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم است و پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین را در کشور را اولین گام انقلاب برای گذار به انقلاب سوسیالیستی و حرکت بسوی کمونیزم جهانی می داند و در راه تحقق آن می کوشد . " شعله جاوید " نشریه ای است که فعلاً در خدمت تدارک برای برپایی جنگ خلق در افغانستان قرار دارد و پس از آنکه این جنگ عملاً آغاز گردید وسیله ای برای پیشبرد موفقانه آن خواهد بود . در یک کلام این جریده زبان گویای حزب کمونیست افغانستان و مبلغ و مروج مرانامه و اساسنامه آن می باشد .

پس از خروج قوای شوروی از افغانستان حالت مستعمراتی - نیمه فیودالی کشور به حالت نیمه مستعمره - نیمه فیودالی تبدیل گردید . در چنین حالتی دشمنی مستقیماً در مقابل توده های خلقهای ملیت های مختلف کشور قرار دارد و دشمن عمده شمرده می شود ، ارتجاع داخلی یعنی نیمه فیودالیزم و بورژوازی کمپرادور است . سلطه امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی فعلاً از طریق سلطه ارتجاع داخلی برحیات سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی جامعه اعمال می گردد و در پیوند با آن قرار دارد . مبارزه علیه مرتجعین حاکم در کشور یعنی رژیم مزدور کابل و باند های ارتجاعی اسلامی که تقریباً در مجموع بطرف سازش و تبانی عمومی میان شان در حرکت هستند در سرلوحه وظایف مبارزاتی جریده " شعله جاوید " قرار دارد و مسئولیت عمده آن را تشکیل می دهد .

در شرایط نیمه مستعمراتی - نیمه فیودالی فعلی کشور سلطه نئوکلیونالیستی امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی شدید بالایی تمامی ملیت های ساکن در افغانستان اعمال می گردد . ازین جهت تضاد ملیت های مختلف کشور با امپریالیزم و سوسیال امپریالیزم یکی از تضاد های اصلی جامعه را تشکیل می دهد . جریده " شعله جاوید " مبارزه علیه سلطه گری ها ، مداخلات و دست اندازی های امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی بر کشور را یکی از وظایف اصلی مبارزاتی خود می داند که بلافاصله پس از وظیفه مبارزاتی عمده - و البته در پیوند کاملاً عمیق با آن - قرار دارد .

افغانستان یک کشور چندین ملیتی است که در آن علاوه بر ستم طبقاتی و ستم ملی امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی ، ستم ملی شئونستی طبقه حاکمه ملیت حاکم پشتون نیز بر سایر ملیت ها و اقلیت های ملی کشور اعمال می گردد . تضاد میان این شئونیزم و ملیت های تحت ستم یکی از تضاد های اصلی در افغانستان است و حل

انقلابی آن یکی از وظایف اصلی انقلاب شمرده می شود. از آنجائیکه جریده "شعله جاوید" مبارزه در این عرصه را یکی از وظایف اصلی خود می داند کاملاً روشن است که باید خود در قدم اول از لحاظ نشراتی تمامی نشانه های ستم لسانی را بدور اندازد و به کمونیست های تمامی ملیت های کشور تعلق داشته باشد بدین جهت است که سعی می شود مطالب قابل انتشار در این جریده حتی الامکان به لسان های متعدد مربوط به ملیت های مختلف افغانستان انتشار یابد. فعلاً این جریده به زبان های دری، پشتو و ازبکی منتشر می شود. هیئت تحریریه امید وار است که در آینده حد اقل بتواند به زبان بلوچی هم نشر جریده "شعله جاوید" را آغاز نماید.

تضاد میان زنان و شئونیزم مرد سالارانه یکی از تضاد های اصلی جامعه افغانستان است. جریده "شعله جاوید" عرصه مبارزه علیه شئونیزم مرد سالارانه را بعنوان یکی از عرصه های اصلی مبارزات انقلابی مد نظر داشته و مروج و مبلغ خستگی ناپذیر برقراری تساوی میان زنان و مردان می باشد.

جریده "شعله جاوید" ارگان مرکزی یکی از اعضای "جاا" است. ازین جهت این جریده تبلیغ و ترویج برای "جاا" را در میان کمونیست ها و توده های پیشرو کشور یکی از وظایف اصلی خود تلقی می نماید.

رویزونیوم در سطح جهانی در حالت مرگ و احتضار قرار دارد و بحران تبه کننده سوسیال امپریالیستها را در بر گرفته است. این، بخشی از بحران حاکم بر کابل سیستم جهانی امپریالیستی است، بحرانی که امپریالیستهای غربی به هیچوجه از آن برکنار نیستند. این حالت مایه دلگرمی تمامی کمونیست های انقلابی جهان و منجمله حزب کمونیست افغانستان است. وقتی درفش های کاذب و دروغین انقلاب به سرعت در حال سرنگون شدن اند، درفش حقیقی انقلاب جهانی پرولتاریائی که فعلاً در دستان جنبش انقلابی انترناسیونالیستی قرار دارد هر روز بیشتر از پیش درخشش و بلندی اهتزاز عالیتری خواهد داشت باید برای پیشروی های جدی و قاطع آینده بصورت همه جانبه ای کارهای تدارکی لازمه را به انجام رساند. جریده "شعله جاوید" در خدمت اجرای این سلسله وظایف سترگ قرار دارد.

جریده "شعله جاوید" در تمامی عرصه های مبارزاتی سعی می نماید که علاوه بر طرح مباحثات عام تئوریک، از طریق تحلیل ها و افشارگری های سیاسی مسایل مهم و وقایع روزمره کشور و جهان نیز اعضای حزب و توده های پیشرو را به دیدگاه همه جانبه از جامعه و جهان مسلح سازد این نشریه در مبارزه علیه انواع اپورتونیزم و بویژه اشکال مختلف رویزونیوم تلاش خواهد کرد مباحثاتش اصولی، زنده و پیشرونده بوده و بری از روحیه دگماتیستی و پراگماتیستی باشد. "شعله جاوید" مبارزه علیه اپورتونیزم مسلط بر دسته ها و گروه های منحرف باقیمانده از جریان دموکراتیک نوین را پیش خواهد برد، اما سعی خواهد کرد که بادرسی آموزشی از گذشته، به مشاجرات لفظی تند و پرخاشگری های زنده و بی ثمر وارد نشود.

رفقا! کمونیست های انقلابی افغانستان! همه به دور مرانامه و اساسنامه حزب کمونیست افغانستان گرد آیند. راه درخشان و آینده تابناک است. فقط باید همتش را داشت و جرئت مندانه حرکت کرد.

زنده باد مارکسیزم!

زنده باد انقلاب!

زنده باد حزب کمونیست افغانستان!

قطعهنامه

کنگره مؤسس حزب کمونیست افغانستان

جنبش کمونیستی - مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی افغانستان در سیزدهم میزان سال یکهزار و سیصد و چهل و چهار، با تاسیس سازمان جوانان مترقی تحت رهبری ایدئولوژیک - سیاسی رفیق شهید اکرم یاری زاده شد.

سازمان جوانان مترقی علیرغم نوپایی به زودی توانست با براه انداختن جریان دموکراتیک نوین (جراید شعله جاوید) بستر وسیعی برای تبلیغ و ترویج مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم در آنزمان مارکسیزم - لنینیزم - اندیشه مائوتسه دون در میان روشنفکران، کارگران و سایر زحمتکشان بوجود آورد. اما پس از نشست عمومی سوم سازمان، در سرمسلط شدن رهبری ناسالم، نه تنها سازمان خود در مسیر انحلال قرار گرفته و تا اوایل دهه پنجاه از هم فرو پاشید، بلکه جریان دموکراتیک نوین نیز بطور روز افزونی به تشتت و پراکندگی و انحرافات گوناگون کشانیده شد در نتیجه کمونیست های کشور نتوانستند به اساسی ترین سلاح انقلاب یعنی حزب کمونیست دست یابند.

دهه پنجاه و نیمه اول دهه شصت دوران تسلط بلامنازع انحرافات گوناگون اپورتونیستی، که تاسرحد مواضع رویزیونیستی سه جهان و خوجه ای نیز سقوط کرد. در گروه ها و سازمان های مختلف برآمده از درون " سازمان جوانان مترقی " و " جریان شعله جاوید " بود.

مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی ایکه با درس آموزی از تجارب گذشته مبارزاتی و تاثیر پذیری از مواضع جنبش انقلابی انترناسیونالیستی از اوایل سال شصت و پنج براه افتاده بود بخشا در اواخر سال شصت و هشت منجر به تشکیل " سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان " گردید. " " اعلام مواضع سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان " مهمترین مسایل ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی جنبش بین المللی کمونیستی و جنبش کمونیستی افغانستان را به روشنی توضیح داد و از آن جمله در بکار برد اصطلاح " مائوئیزم " بجای اصطلاح " اندیشه مائوتسه دون " با قاطعیت اتخاذ موقف نمود.

تشکیل " سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان " و انتشار اعلام مواضع آن نه تنها امر مبارزه در راه تاسیس حزب کمونیست افغانستان را بصورت جدی به پیش راند، بلکه با تاسیس عضویت سازمان در " جنبش انقلابی انترناسیونالیستی " جایگاه شایسته کمونیست های انقلابی کشور در جنبش بین المللی کمونیستی نیز تثبیت گردید.

در نتیجه پیشرفت مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی بسیاری از گروه ها و دسته های برخواسته از درون جریان دموکراتیک نوین که به ناحق ادعای کمونیستی داشتند عملاً از آن دست کشیدند و حتی در عرصه مبارزات ملی - دموکراتیک نیز رو به انحلال رفتند و بخش های از آنها به صور و اشکال گوناگون به خدمت گذاران " مشی مصالحه ملی " رژیم مزدور کابل مبدل شدند.

" سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان " به مثابه سازمان مبارزه در راه تشکیل حزب کمونیست افغانستان تلاش ها و کوشش های سازنده ای را به پیش برد که نتایج آن عبارت بود از تهیه مسوده سه سند اساسی مرامی (اساسات ایدئولوژیک - سیاسی حزب، برنامه برای انقلاب دموکراتیک نوین و استراتژی جنگ خلق) معاً اساسنامه حزب کمونیست افغانستان و ایجاد تشکیلاتی که بتواند مبنای تشکیلاتی تاسیس حزب قرار گیرد.

در طی مدت چهار ماهی که برای مباحثه درون سازمانی پیرامون مسوده های اسناد و مسئله تاسیس حزب کمونیست افغانستان، توسط " مرکزیت موقت سازمان کمونیست های انقلابی

افغانستان " تعیین گردیده بود ، نه تنها متن مسوده ها میان اعضاي سازمان مورد جر و بحث قرار گرفته و نهایتاً بصورت دوسند (مرانامه و اساسنامه حزب) تدوین گردید ، بلکه میزان آمادگی سازمان در تقبل مسئولیت تاسیس حزب نیز به ارزیابی گرفته شد و نقش کمیته انسجام و وحدت مورد دقت قرار گرفت . جروبحث پیرامون مسوده های اسناد و ارزیابی از میزان آمادگی سازمان در تقبل مسئولیت تاسیس حزب به نتایج مثبت و سازنده ای رسید . اما از مباحثات در مورد نقش کمیته انسجام و وحدت در تاسیس حزب این نتیجه بدست آمد که کار این کمیته در ظرف چهار سالی که گویا دایر بوده عمدتاً از سازندگی برخوردار نبوده است و هم اکنون خود به بستری برای خرده کاری و دوام آن مبدل شده است . در نتیجه سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان تصمیم گرفت که به دعوت و برگزاري " کنگره مؤسس حزب کمونیست افغانستان " اقدام نماید .

کنگره در موقع معینه بر گزار گردید و جلسات آن مجموعاً مدت هفت روز را در بر گرفت . " کنگره مؤسس حزب کمونیست افغانستان " با پخش " سرود انترناسیونال " - که در جریان آن تمامی رفقای حاضر در جلسه به پاخاسته بودند - افتتاح گردید . سپس صحبت مقدماتی مختصری بعمل آمد و مباحثه پیرامون متن مسوده های مرانامه و اساسنامه حزب کمونیست افغانستان آغاز گردید .

مباحثات پیرامون متن دوسند اساسی ارائه شده به کنگره با سهم گیری فعالانه تمامی رفقای شرکت کننده مدت پنج روز دوام نمود که در نتیجه آن " مرانامه حزب کمونیست افغانستان " و " اساسنامه حزب کمونیست افغانستان " با تعدیلات ، تصحیحات و اضافات لازمه در متن اسناد ارائه شده به کنگره به اتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفت .

پس از آن ، برای مدت يك روز ، مباحثات مفصلي در مورد اینکه آیا ابزار تشکیلاتی لازمه غرض تاسیس حزب کمونیست افغانستان فراهم گردیده است یا نه ، بعمل آمد . در ختم مباحثات ، این مسئله که ابزار تشکیلاتی لازمه غرض تاسیس حزب کمونیست افغانستان موجود می باشد ، باتفاق آراء مورد تأیید رفقای شرکت کننده در کنگره قرار گرفت .

تمامی رفقای شرکت کننده در کنگره تأیید کردند که هرگونه تاخیر در تاسیس حزب کمونیست افغانستان فقط و فقط می تواند نشاندهنده عدم قبول مسئولیت در قبال انقلاب افغانستان و انقلاب جهانی تلقی گردد و بدین صورت کنگره دایر شده را به مثابه کنگره مؤسس حزب کمونیست افغانستان مورد تصویب قرار دادند . رفقا ، در حالیکه مرانامه و اساسنامه حزب کمونیست افغانستان روی دست رفیقی قرار داشت ، به پا خاستند و در حالیکه بصورت فشرده ای بالای آن ، دست روی دست همدیگر گذاشته بودند و همگی در حالت منقلب و اشک ریزان قرار داشتند ، با ادای سوگند کمونیستی ، تعهد سپردند که در راه انتخاب شده تا پای جان خواهند رزمید .

در ختم کار ، کنگره ، اعضاي اصلي و علي البدل کمیته مرکزی حزب کمونیست افغانستان را انتخاب نمود . همچنان کنگره ، ارسال پیام برای " کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی " و صدور قطعنامه در مورد حمایت از جنگ خلق در پرو را باتفاق آراء مورد تصویب قرار دادند .

رفقا ! درفش حزب کمونیست افغانستان درفش پرولتاریای جهانی و یگانه درفش تابه آخر انقلابی در کشور است . کمونیست های انقلابی افغانستان فقط و فقط بارزمیدن زیر این درفش سترگ است که می توانند وظایف و مسئولیت های شان را در قبال انقلاب جهانی و انقلاب کشور به نحو اصولی و شایسته ای ارائه نمایند .

به پیش در راه برپایی و پیشبرد جنگ خلق در افغانستان !

به پیش در راه انقلاب دموکراتیک نوین و انقلاب سوسیالیستی !

به پیش در راه کمونیزم ! یا مرگ یا پیروزی

" کنگره مؤسس حزب کمونیست افغانستان " اول می - 1991 - 1370

قطنامه در مورد حمایت از جنگ خلق در پرو

راهی که نیروی انقلابی ضعیف و ناتوان را قادر می‌سازد که تنها خود را حفظ نماید، بلکه نیروهای نظامی ارتجاعی را یکایک نابود ساخته و به تدریج خود را قوی سازد عبارت است از بکار برد دقیق، جدی و جرئت‌مندانه قوانین جنگ انقلابی افغانستان. این قوانین در اساس و از لحاظ استراتژی نمی‌تواند با قوانین جنگ انقلابی در سایر کشورهای تحت سلطه، که جنگ انقلابی چین نمونه پیروزمند آن در گذشته و جنگ انقلابی پرو نمونه زنده و موجود فعلی آن می‌باشد، فرق داشته باشد، ولی در عین حال از جهات تاکتیکی معین دارای ویژگی‌ها و خصوصیات مختص به خود نیز خواهد بود.

(مرامنامه حزب کمونیست افغانستان - فصل استراتژی جنگ خلق - مبحث جنگ طولانی)
جنگ خلق در پرو، که تحت رهبری حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست - مائوئیست) آن کشور، اینک دهه اول موجودیتش را قهرمانانه پشت سر گذاشته است، جنگی است که نه تنها به خلق پرو، بلکه به تمامی خلق‌های جهان و پرولتاریای جهانی تعلق دارد. پیروزی‌ها و موفقیت‌های این جنگ مایه دلخوشی و مباهات تمامی رهروان راه انقلاب جهانی است. این جنگ انقلابی پیشرونده دیگر نه تنها به تهدید جدی و واقعی علیه ارتجاع حاکم بر پرو مبدل شده است، بلکه خارج‌شده تمامی مرتجعین و امپریالیست‌ها نیز می‌باشد بدینجهت است که امپریالیزم آمریکا، مرتجعین پروئی را زیر بال و پر روز افزون حمایت خود گرفته و یکجایا ارتجاع منطقه نقشه‌هایی برای مداخله از خارج، جهت سرکوبی فرزندان خلق پرو، در سر می‌پروراند. این نقشه‌های اهریمنی می‌تواند و باید به همت انقلابیون جان بر کف پروئی و حمایت بیدریغ و همه‌جانبه انقلابیون سراسر جهان از آنها به ناکامی کشانده شود.

حزب کمونیست افغانستان بمثابه یک حزب مارکسیست - لنینیست - مائوئیست، از جنگ انقلابی ظهر نمون خلق در پرو الهام می‌گیرد و از آن فعالانه پشتیبانی می‌نماید.

1. حزب کمونیست افغانستان برای برپائی و پیشبرد جنگ خلق در افغانستان تلاش می‌نماید. به نظر ما پیشروی و کسب موفقیت‌های روز افزون درین راستا، موثرترین راه حمایت از جنگ خلق در پرو می‌باشد. فقط آنگاهی که صلاهی نبرد انقلابی در کوهپایه‌های هندوکش طنین افکن شود، خواهیم توانست از حمایت شایسته و اصولی از جانبازی‌های رفقای پروئی مان سخن بر زبان آوریم.

2. حزب کمونیست افغانستان سعی می‌نماید از تمامی راه‌ها و طرق مستقیم حمایت از جنگ خلق در پرو و مبارزه علیه دشمنان آن استفاده بعمل آورد. ما درین مورد مکلفیت داریم که از هرزمینه و امکان مبارزاتی، بویژه در سال بین‌المللی همبستگی با جنگ خلق در پرو، دوشادوش تمامی رفقای شامل در جنبش انقلابی انترناسیونالیستی، در جهت حمایت از انقلاب پرو، بهره‌جویی نمائیم.

زنده باد انقلاب جهانی!

زنده باد جنگ خلق در پرو!

مرگ برکلیه امپریالیست‌ها، سوسیال‌امپریالیست‌ها و مرتجعین!

کنگره مؤسس حزب کمونیست افغانستان

اول ماه می

1370 - 1991

کودتا و ضد کودتا در شوروی

حوادث اواخر آگست (اوایل سنبله) در شوروی نقطه اساسی برجسته در بحران چندسال گذشته این کشور می باشد . همانگونه که مائو گفت در دهه 1950 حکام شوروی به رهبری خروشچف به پرولتاریا خیانت کرده و در شوروی سرمایه داری را احیاء نمودند . مائو آنان را تزاران نوین خواند .

آنها تحت نام سوسیالیسم اولین دولت سوسیالیستی جهان – را به پایگاهی برای ارتجاع تبدیل نموده و با ایجاد یک امپراتوری برای خویش بر سر سلطه بر جهان با امپریالیسم امریکا به رقابت برخاستند . اکنون تزارهای نوین آنچه را کاشته بودند در می کنند . کارکرد نظام سرمایه داری دولتی شوروی را در بحران بی سابقه فروبرده اند این بحرانی است که با بحران جهانی کل نظام امپریالیستی تداخل می کند . حکام امپریالیسم شوروی از هرسو زیر ضربه اند . آنها در تلاش مایوسانه برای حل بحران گلوبی یکدیگر را می برند و بخود نیز رحم نمی کنند . امپراتوری آنان در حال از هم گسستن است و حتی مجبور شدند از آخرین ادعاهای پوچ شان مبنی بر کمونیست بودن دست بشویند .

بلند گوهایی غرب کل این قضیه را به مثابه " فروپاشی کمونیسم " وانمود می کردند . واقعیت آنست که برای کمونیست های حقیقی (برای مائونیست های انقلابی جهان که در جنبش انقلابی انترناسیونالیستی متحد اند) از هم گسستگی فزاینده شوروی خوشایند است زیرا این به معنی تضعیف یکی از قوی ترین ستون های ارتجاع جهانی بوده و مسلماً توان امپریالیسم جهانی را جهت اعمال حاکمیتش در اقصی نقاط دنیا تضعیف می نماید .

حکام غربی به پیروزی " اصلاح طلبان " در شوروی درود فرستادند و کودتاچیان را تقویه نمودند. شك نیست که بازوی ، گریچکوف و شرکاء جنایت کارانی بیش نیستند . اما تمام " اصلاح طلبان " – از یلتسین گرفته تا گرباچف و شواردنازده و سایرین - نیز همان های هستند که با چنگ و دندان خود را به راس حزب ارتجاعي حاکم یعنی " حزب کمونیست اتحاد شوروی " رسانده و از گردانندگان اصلی نظام جنایت بار سرمایه داری دولتی در شوروی بشمار می رفتند . این کودتاها و ضد کودتاها در شوروی جنگ درونی طبقه حاکمه ای است که بواسطه بحران عمق یابنده دولت درمانده و چند پاره شده است .

حاصل برنامه " اصلاح طلبان " مبنی بر برقراری دموکراسی سبک غربی و ریفرم اقتصادی و همکاری با غرب چه خواهد بود ؟ محصول اولین " سرمایه گذاری اشتراکی " امریکا و شوروی را اینان پیشاپیش به جهانیان عرضه کرده اند . صدتادو صد هزار کشته از مردم عراق در جنگ استعماری تحت سرکردگی آمریکا در خلیج . تا آنجا که به مردم شوروی بر می گردد، آینده بسیاری از آنان را می تواند هم اکنون در صف بیکاران در لهستان و سرپناه بی خانمان ها در بوداپست دید – جایی که " معجزه اطلاعات بازار آزاد " عده ای انگشت شماری را صاحب مرسدس بنز ساخته و در مقابل عده کثیری را بی خانمان نموده و به پیاده رو ها رانده است .

از زمان احیاء سرمایه داری فضای شوروی سراسر تحت برچسب های سوسیالیستی مسموم شد، مارکسیزم – لنینیسم به یک مذهب دولتی بدل گشت و رئیس " حزب کمونیست اتحاد شوروی " پاپ اعظم آن شد . اکنون نقاب سوسیالیستی بر افتاده است . اکنون سخنان زیبای فریبکارانه ای مانند " برابری سوسیالیستی بین ملل " رخت بر بسته است و سلطه گری دیرین ملت روس با تمام زشتی اش به نمایش در می آید . طرفداران یلتسین فریاد " روسیه روسیه " سر می دهند یعنی صلابی نبرد سربازان تزار می هنگامی که برای برقراری امپراتوری روسیه استپ ها را در می نوردیدند و از رودخانه خون خلقهای به اصطلاح " وحشی " شرق به پیش راه می

گشودند. لنین مبارزه دراز مدتی را علیه گرایش " روسیه کبیر " به پیش برد. انقلابیون اصیل خوشحالد از اینکه حکام جدید ادعای در دست داشتن درفش سرخ کمونیزم را کنار گذاشته و از همان پرچم های ارتجاعی سنتی خود به عنوان مظهر سیاست های ارتجاعی شان استفاده می کنند. درملل کوچک اتحاد شوروی عوامفریبانی مانند لند زبرگیس رئیس جمهور لیتوانی، از انزجار ملی مردم نسبت به شونیزم روس بهره جوئی می کنند. طرز تفکر آنان مبنی بر " هر ملتی به فکر خویش " دورنمای نفرت انگیزی را به ظهور رسانده که در آن حتی ملل کوچک، ملل کوچکتر را لگد مال می کنند. ما نورهای پشت پرده حکام شوروی نیز چنین دورنمایی را تسریع می سازد.

از هم گسیخته شدن دولت شوروی آوازه های ارتجاعی " کمونیزم مرد " را تشدید کرده است. کمونیزم دروغین یعنی آن پوسته میان تهی که توسط افرادی مانند برژنف سیانوپین برای پوشاندن جنایات شان بکار برده شد به واسطه پوسیدگی درونی اش بواقع در حال فروپاشی است. اما تلاش مرتجعین جهت دفن کمونیزم برای آن است که هرگونه رشته امید ستمدیدگان بوجود آلترناتیو و راه چاره در برابر جهان سرمایه داری و دهشتیهای آنرا قطع کرده و بدین ترتیب مقاومت توده ها در مقابل حاکمیت شان را در هم شکنند. اما آنان هرگز موفق نخواهند شد. همانگونه که مائوتسه دون تحلیل کرد، هر آنجا که ستم باشد مقاومت هم هست. در هر نقطه ای از زمین که استثمار شدگان و ستمدیدگان وجود دارند چشم انداز پایان دادن به هرگونه ستم و استثمار و محو جامعه طبقاتی یعنی چشم انداز کمونیزم مکررا سر بیرون خواهد آورد تا اینکه شعله های انقلاب جهان کهن را نابود کند و دنیای نوین را به ظهور رساند. جنبش انقلابی انترناسیونالیستی در " فراخوان به مردم اروپای شرقی " که به زبان های گوناگون انتشار یافت اعلام نمود: " پیگیرانه تر رادیکال تر و با عزم بیشتر به جهان کهن یورش برید، سلاح انقلابی مارکسیزم - لنینیزم - اندیشه مائوتسه دون که حکام تان از شما پنهان داشته اند را بردارید، با جنبش انقلابی انترناسیونالیستی ارتباط برقرار کنید و بدین ترتیب رشته های پیوند خود با کسانی که در اقصی نقاط جهان عزم مبارزه جهت محو همیشگی هرگونه ستم و استثمار تحت هر نام و نشانی کرده اند را مستحکم نمائید. " این فراخوان جنبش انقلابی انترناسیونالیستی به توده های طغیانگر گوشه و کنار امپراتوری شوروی نیز هست.

باسقوط دیوار برلین امپریالیستها وعده دادند که دوران رقابت بین قدرت های بزرگ بسر آمده و زمان صلح و دموکراسی فرا رسیده است. اما در خلیج، حبشه و یوگوسلاویا جنگ براه افتاد و اکنون جنگ برادر و خواهر کشی در کمین خود شوروی است. تا زمانیکه جهان به استثمار گر و استثمار شده تقسیم گشته و برخی ملل بر بعضی دیگر مسلط اند، تا هنگامیکه این نظام اجتماعی حریص که به قوه قهر پا برجا نگهداشته شده نفس می کشد، سخنی از صلح نمی تواند در میان باشد و دموکراسی صرفا نقابی خواهد بود بر حاکمیت استثمار گران. در واقع امواج بی نظمی که اتحاد شوروی را در می نوردد طلایه دار عصر بیمانندی از تغییرات بزرگ و ناگهانی در جهان است. به اعتقاد جنبش انقلابی انترناسیونالیستی، اکنون زمان آن است که با جسارت و بیباکی در تلاطم آشوبها و مبارزات به پیش راه بگشاییم و از تضعیف امپریالیستها برای تدارک و آغاز جنگهای انقلابی سود جوئیم.

کمیته

جنبش انقلابی انترناسیونالیستی

21 اگست 1991

مراومه

حزب کمونیست افغانستان

به زبان دري منتشر شد

" مراومه حزب کمونیست افغانستان " محصولي از مبارزات جنبش کمونیستی بین المللي و ثمره بزرگ مبارزات طولاني و جانفشاني شهدي جنبش کمونیستی کشور است . در شرايطي که سوسیال امپریالیست ها ، امپریالیست ها، رویونیست ها و مرتجعین رنگارنگ ، حملات کین توزانه و گسترده اي را علیه کمونیزم و پرولتاریاي جهاني در سطح وسیع بین المللي و منطقه – منجمه در افغانستان – سازمان داده و به پیش مي برند، تدوین این مراومه و تاسیس حزب کمونیست افغانستان در کنگره مؤسس حزب کمونیست افغانستان ، يك ضد حمله کمونیستی اصولي، شجاعانه و مناسب به شمار مي رود .

اینک به روشني پیدا است که شعله ي برافروخته شده توسط پیشروان ما و درپیشاپیش آنها رفیق شهید اکرم یاري نه تنها در زیر " خاکستر جاوید " مدفون نگردیده است ، بلکه با گذار از پیچ و خم هاي فراوان ، علیرغم تحمل بزدلي ها ، انحرافات ، خیانت ها و ارتداد بسياري از رفقای نیمه راه و دشمن شاد ، و وارد آمدن صدمات و ضربات بشماري بر پیکر آن فروزان تر از پیش برافروخته و مشتعل است و مي رود تا به خرمن هستي دشمنان آتش افکند، آتش بزرگ ، آتش عظیم .

مراومه حزب کمونیست افغانستان درفش مستقل پرولتاریاي جهاني در سنگر مبارزات طبقاتي و ملي کشور در خون خفته ما و یگانه درفش تا باخر انقلابي در افغانستان است . کمونیست هاي انقلابي در کشور فقط و فقط با رزمیدن زیر این درفش سترگ است که مي توانند وظایف و مسئولیت هاي شان را در قبال انقلاب جهاني و انقلاب افغانستان به نحو اصولي و شایسته اي اداء نمایند .

حزب کمونیست افغانستان ، حزب سياسي پرولتاریا و پیشاهنگ پرولتاریا در کشور است . مراومه حزب کمونیست افغانستان که بیان مرام هاي پرولتاریاي بین المللي و مرام هاي پرولتاریاي افغانستان به مثابه بخشي از پرولتاریاي جهاني است و اساس موجودیت و پایه وحدت حزب را مي سازد . ایدئولوژي ، برنامه سياسي و مشي استراتژیک مبارزاتي آنرا ، که عبارتند از : مارکسیزم – لنینیزم – مائوئیزم ، انقلاب دموکراتیک نوین و جنگ خلق در بر مي گیرد .

ایدئولوژي رهنماي اندیشه و عمل حزب کمونیست افغانستان مارکسیزم – لنینیزم – مائوئیزم است که ایدئولوژي و علم انقلابي پرولتاریاي جهاني و یگانه ایدئولوژي انقلابي ، علمي و آزادیبخش در جهان مي باشد . مارکسیزم – لنینیزم – مائوئیزم اساس ایدئولوژیک برنامه سياسي و مشي استراتژیک مبارزاتي حزب کمونیست افغانستان را مي سازد .

برنامه سياسي حزب کمونیست افغانستان در مرحله فعلي انقلاب کشور عبارت است از به پیروزي رساندن انقلاب دموکراتیک نوین و استقرار دیکتاتوري دموکراتیک خلق . تحقق اهداف سياسي ، اقتصادي و فرهنگي انقلابي دموکراتیک نوین افغانستان شرط ضروري گذار به انقلاب سوسیالیستی در کشور و حرکت به طرف کمونیزم مي باشد .

مشي استراتژیک مبارزاتي حزب کمونیست افغانستان براي تصرف قدرت سياسي ، برپايي و پیشبرد جنگ خلق که جنگ طولاني متکي بر توده هاي وسیع ، عمدتاً دهقانان ، تحت رهبري پرولتاریا از طریق حزب پیشاهنگ آن مي باشد . تا زمانیکه جنگ خلق بر پا نگردیده ، مجموع مبارزات حزب کمونیست در خدمت تدارک براي آغاز آن قرار دارد و پس از آنکه عملاً آغاز گردید تمامی اشکال مبارزاتي و توان رزمي حزب در خدمت پیشبرد اصولي و موفقیت آمیز آن خواهد بود .

بازتایپ : حبیب